

گفت‌وگوی «شرق» با «سامی یوسف» به مناسبت انتشار آلبوم «مرکز»:

برگزاری کنسرت در ایران رویای من است

پرویز براتی - نیما توسلی

۲۵۰هزارفر، در شبی از شب‌های مارس ۲۰۰۹ در میدان «تقسیم» ترکیه دور هم جمع شده‌اند. هوا بارانی است و سرد. هنوز این میدان رنگ و بوی اعتراض به خود نگرفته؛ اما این گردهمایی بزرگ حاکی از آن است که میدان‌ها می‌توانند فقط صحنه اعتراض نباشند. میدان‌ها گاهی هم می‌توانند نجاهای دیگری را در خود جا دهند. نام «سامی یوسف» در همه‌هم حاضران، به‌وضوح شنیده می‌شود. با اینکه هوا سرد است، جمعیتی زیاد به قلب «استانبول» مدرن آمده تا شاهد کنسرت خواننده مطرح جهان اسلام باشند. جمعیت با افتخار اعلام می‌کنند: «او یکی از مااست» و با «سامی» در ترکیه محبوب او، هنومو می‌شوند. ۲۵۰هزارنفری که در میدان تقسیم استانبول شاهد کنسرت «بزرگ‌ترین ستاره راک جهان اسلام» بودند، نماینده میلیون‌ها مخاطبی هستند که طی یک‌دهه‌اخیر به صدای او گوش داده‌اند. «سامی» در چهارقاره جهان کنسرت برگزار کرده و سالن‌های معتبری چون ومبلی ارنا در لندن، تالار شرابن در لس آنجلس و ولودروم در کیپ‌تاون آفریقای جنوبی را از جمعیت انباشته کرده. کنسرت‌های او باشکوه و کاملا منحصر به‌فرد است. اجراهای او با نظم و ترتیب و با تمرکز فوق‌العاده‌ای صورت گرفته و او در کنار خواندن به زبان‌های انگلیسی، عربی، ترکی فارسی، اردو، آذری و مالایی، بر نواختن بسیاری از سازهای کلاسیک و محلی، تسلط کامل دارد. «سامی یوسف»، علاوه بر ترانه‌سرایی بسیاری از اشعارش، بر چندین‌ساز ایرانی و غربی هم مسلط است. این روزها، آلبوم جدید این خواننده با عنوان «مرکز» منتشر شده است؛ آلبومی که «تم» سنتی و معاصر دارد و مضمون اشعار آن معنوی و فلسفی است. یوسف برای اولین بار ترانه تمام‌فارسی خود به نام «جان جانان» را که به‌صورت کامل‌اشارت ایرانی و با استفاده از سازهای ایرانی اجرا شده، در این آلبوم آورد. ترانه این اثر را پدر «سامی»، استاد بایک رامنش، سروده که شاعر و آهنگساز چیره‌دست موسیقی سنتی و پاپ است. «شرق» به بهانه انتشار این آلبوم، گفت‌وگویی با «سامی یوسف» انجام داده که اگر همکاری دوست فرهیخته‌مان «مهدي جهانگیر» نبود، شاید این گفت‌وگو به فرجام نمی‌رسید. ضمن سپاس از زحمات جهانگیر، متن گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم:

✎ پیش‌تر در یکی از گفت‌وگوهایتان به این‌موضوع اشاره کردید که پروفیسور «سیدحسین نصر»، یکی از اساتید تاثیرگذار بر افکار شما بوده، به‌طوری‌که از کتاب‌ها و اندیشه‌های این متفکر برجسته اثر پذیرفته‌اید. به نظر می‌رسد در تولید یکی از آهنگ‌های آلبوم جدیدتان «مرکز» هم از نظارت و پشتیبانی روحی و معنوی ایشان بهره برده‌اید. اگر ممکن است راجعه‌به این موضوع کمی بیشتر به خوانندگان روزنامه «شرق» توضیح دهید؟ آیا هرگز با پروفیسور نصر ملاقات داشته‌اید؟ اصلا چطور شد به افکار ایشان گرایش پیدا کردید؟...

بله، من بارها دکترنصر را ملاقات کرده‌ام و ایشان را به‌عنوان یکی از معلمان و اساتید خود می‌دانم. ایشان یکی از بزرگ‌ترین روشنفکران توانمند عصر ما در زمینه دانش هستند و منبع استعداد وافری در زمینه مسایل فکری محسوب می‌شوند. شاید بتوان گفت یکی از ویژگی‌های شاخص و برجسته ایشان این است که از معدود (اگر نگوییم تنها) روشنفکران بزرگی هستند که از احترام جهان دانش شرق و غرب برخوردارند. رویکردها و نقطه‌نظرهای اندیشمندانه و روشنفکرانه دکترنصر به‌مدت بیش از ۵۰سال است که پایدار و مانا تداوم داشته است. چه تعداد از ما می‌توانیم به چنین درجه‌ای برسیم؟

✎ شما راجعه‌به آلبوم مرکز در سایت رسمی خود نیز توضیحاتی داده‌اید و طالب است عکس‌ها پنهان را در حالی که همراه با ابزار و آلات موسیقی ایرانی مثل تار، تنبک، دف و کمانچه منتشر می‌کنند، متششر به‌این آلبوم، آیا می‌توانیم اینگونه نتیجه‌گیری کنیم که این آلبوم نزدیک‌ترین اجرای شما به رگ و ریشه ایرانی‌تان است؟...

بله، فکر کنم منصفانه است اگر چنین فکری کنیم. خیلی خوشبخت و خوشایقبال هستم که قادر به نواختن تمامی آن ابزارآلاتی که در سایت رسمی من مشاهده کرده‌اید هستم. این آلبوم از نظر احساسی بسیار طریقتی و عرفانی است و منبع الهام اصلی من فلسفه معنوی بوده است. سرزمین پارس یا ایران، به طرز ناباورانه‌ای سرشار از این زمینه و گرایش فکری است، بنابراین طبیعتا تاثیرات پارسی فراوانی در این آلبوم نهفته است.

✎ آلبوم مرکز، در واقع نمایشی از استعداد شخصی شماست؛ چراکه به نظر می‌رسد شما هم‌زمان، هم اشعارش را سروده‌اید و هم موسیقی آن را اجرا کرده‌اید. به عبارت دیگر، می‌توان شما را شخصیتی چندوجهی در این آلبوم تصور کرد که ساز هم زده‌اید. آیا می‌توانیم اینگونه بیان کنیم که این آلبوم، شبیه دیگر آلبوم‌هاتان، کاملا توسط شخص شما تهیه و تولید شده است؟ در ضمن، کدام ابزارآلات موسیقی را بهتر می‌نوازید؟

بله، این آلبوم برایم خیلی عزیز و گرانمایه است. من معمولا خودم می‌نوازم، تنظیم و اجرا می‌کنم و همه اشعارم را خودم می‌سرایم. البته برای آلبوم «مرکز»، عمده اشعار نوشته ویل ناکس (Will Knox) است، به جز آهنگ مرکز (آهنگی که عنوان آلبوم هم هست) که آن را- با اجازه برای اقتباس- از یکی از اشعار

دکترسیدحسین نصر باعنوان «چرا اینجا چرا اکنون»، انتخاب کرده‌ام. من این شعر را خیلی دوست داشتم و ایشان هم با بزرگواری تمام اجازه دادند تا آن را بسرایم. استادبایک رامنش، پدر محبوب و عزیز من، هم اشعار آهنگ «جان‌جانان» را نوشته‌اند.

من تنبک را نخستین‌بار از پدرم، وقتی شش‌سال داشتم، یاد گرفتم. دوره آموزشی من پراساس شیوه استادحسین تهرانی و کتاب آموزشی و تمرینی ایشان بود. خیلی زود بعد از آن، شروع به آموختن دف (و دیگر سازهای ضربی‌ای، تار (که ساز موردعلاقه من از بین سازهای ایرانی است)، سنتور، عود و همچنین ویولن و پیانو کردم. سیستم کمکی فارسی (یعنی ردیف دستگاه) را از پدرم آموختم که شامل ردیف آوازی استادعبدالله دومی (برگرفته از استادمحمود کریمی) و ردیف‌سازی استادمیرزا عبدالله (برگرفته از استاد نورعلی‌خان برومند) است. بیشتر این آموزش‌ها در طول سال‌های اولیه نوجوانی‌ام صورت گرفت. می‌شود اینطور گفت خواندن آواز «شغل دوم» من است که تقریبا در اواخر دوره نوجوانی زندگی‌ام -خیلی تصادفی سر برآورد. من خودم را در زمینه موسیقی یک دانش‌آموز کوچک متواضع می‌دانم و قدردان تمام معلماتم هستم، به‌ویژه پدرم استادبایک رامنش. به خاطر تمام راهنمایی‌هایی که در طول سال‌ها آموزش به من داد، من برای تمام عمرم مدیون او هستم. شاید برای شما جالب باشد که بدانید پدر من یکی از شاگردان استادابوالحسن صبا بوده (در آن زمان او کودکی خردسال و استادصبا هم بسیار پیر بود). او همچنین یکی از بهترین دانش‌آموزان استادعلی‌اصغر بهاری، کمانچهنواز بزرگ آن زمان بود. استاد رامنش الگوی من و هادیگر من در معمولا موسیقی است. یک نایفه بسیار مستعد چندوجهی (این اصطلاح را من معمولا برای هرکس به کار نمی‌برم و معتقدم او در ایران امروز چندان موردتوجه قرار ندارد) است که صدایی جادویی دارد و شخصی بسیار متواضع و فروتن است که به‌اعتقاد من این ویژگی‌های او از معنویات و روحیات او ناشی می‌شود.

✎ جقدر با موسیقیدان‌ها و خواننده‌های فارسی‌زبان آشنایی دارید؟ مثلا آیا از کارها و اجراهای اساتید نخبه ایرانی نظیر محمدرضا شجریان و فرزندش همايون، شهرام ناظری و فرزندش حافظ، کیهان کلهر، حسین علیزاده، علیرضا قربانی و...مطلع هستید؟ اگر می‌شود نظر‌تان را درباره موسیقیدان‌ها و خواننده‌های ایرانی که شما بیشتر می‌شناسید یا کارهای آنها را بیشتر دوست دارید، برای ما بگویید....

برخی از اسامی‌ها را که نام بردید می‌شناسم (به‌ویژه اساتید ناظری و شجریان) و با کارهای بسیاری از آنها آشنایی دارم. من عاشق همیشگی کارهای استاد پرویز مشکاتیان هستم. او گوهری ناب و کمیاب در دنیای موسیقی است (امید که او و تمام کسانی که ما را ترک کرده‌اند، قرن آرامش باشند).

✎ **من عاشق ایران هستم و آرزومندم که کشور زادگاهم را به‌زودی ببینم. این واقعا دور از عقل به نظر می‌رسد که در کشور‌های بسیار دوری مانند گویان (Guyana) که پارسال در استادیوم ملی آن برنامه داشتیم، موسیقی اجرا کر دهام اما در کشور خودم، جمهوری اسلامی ایران، هنوز اجرا نداشته‌ام. مردم بعضی وقت‌ها می‌گویند: «سامی تو همه‌جا برنامه داشتی اما هنوز ایران را ملاقات نکرده‌ای**

✎ **آیا اقدام هم‌زمان به کارهای آهنگسازی، نوازندگی، سرودن اشعار و خوانندگی از آلبوم‌هاتان، روی کیفیت کاری شما اثرگذار است؟ آیا این موارد باعث نمی‌شود از فعالیت اصلی‌تان که با آن شناخته می‌شوید، یعنی خوانندگی، فاصله‌گیری؟**

نه. همیشه سعی می‌کنم با رعایت فروتنی و تواضع خود، بنوازم، تنظیم و اجرا کنم. خیلی قدردان و سپاسگزارم که در ۲۹سالگی، به طور رسمی جایزه دکترای ادبی را از دانشگاه روهمپتون (Roehampton) در جنوبغرب لندن به‌دلیل کمکی که به اعتلاي موسیقی کرده‌ام، گرفته‌ام. من جوان‌ترین دریافت‌کننده این جایزه ارزشمند تنها شخصی‌ام مسلمانی که موفق شده تاکنون این جایزه را دریافت کند. خوانندگی - به نظر من - دومین حرفه من است و نه اساسا اولی. من برای دیگر هنرمندان کار تولیدی کرده‌ام؛ به‌ویژه هنرمندانی از «اندانه استودیو»، در حال حاضر نیز روی یک پروژه فیلم از آهنگساز معروف و برنده اسکار، الرحمان (AR Rahman) و همچنین با تولیدکننده‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق شرکت شخصی‌ام به نام «اندانته‌استودیو» همکاری می‌کنم. **✎** **مبانی تهیه آهنگ «خراسان» در آلبوم «مرکز» چه بوده است؟ آیا می‌توان گفت شما خراسان را به‌عنوان نشانه و سمبلی از محل برخاستن خورشید، انتخاب کرده‌اید و منظور‌تان به طور خاص، این بوده است؟**

بله، در خیلی از زمینه‌ها اینطور است. خراسان تداعی‌کننده اشراق و عرفان و تصوف است و دانش، مفهوم، حقیقتی است که ما دنبال آن هستیم، درونمان نهفته است و خارج از قلمرو ما نیست.

✎ **در آلبوم «مرکز»، که آهنگ بسیار خاص و جذاب برای فارسی‌زبان‌ها**

موسیقی



عکس: Peter Sanders

وجود دارد در نام «جان‌جانان» که نشان می‌دهد شما کاملا بر زبان فارسی تسلط دارید. اگر می‌شود بیشتر راجعه‌به این آهنگ بر ایمان بگویید. شاعر این آهنگ چه کسی است؟ و چه شد تصمیم گرفتید این آهنگ را به فارسی اجرا کنید؟
من همواره از خوانندگی به زبان فارسی لذت می‌برم و واقعا می‌خواستم یک کار نزدیک به سبک موسیقی «دراویش» با آهنگی که بر دف و سهار متمرکز باشد انجام دهم. نتیجه آن شد «جان‌جانان» که متن شعر آن توسط استادبایک رامنش نوشته شده است. خروجی آن بسیار زیباتر از آنچه اول انتظار داشتم، شد. این اجرا بر اساس غزل است و من امیدوارم مردم ایران و همه‌جای جهان از آن لذت ببرند، انشاءالله.

✎ **راجعه‌به اینکه از ریتم هم‌زمان شاد و سنتی در اجرای آهنگ «جان‌جانان» استفاده کرده‌اید، برای ما بگویید....**

اگر منظور شما از «واژه شاد»، «ریتمیک» است، بله همین‌طور است. من قصد داشتم کاری انجام دهم که ریتمیک باشد و در عین حال، از نظر موسیقایی و روحی و معنوی، معتبر.

✎ **چقدر پدرتان، استادرامنش در شکل‌گیری موسیقایی شما اثرگذار بوده**

است؟ رابطه شما با ایشان چگونه است؟

بی‌اندازه. او پدرم، هدایتگرم و این روزها مرشد من نیز است.

✎ **شما متولد شهر تهران هستید و سه‌سال اول زندگی‌تان را در این شهر گذرانده‌اید. آیا به این شهر احساس تعلق می‌کنید؟ نظر و احساس‌تان به شهر محل تولدتان چگونه است؟**

از این جهت سهمی یوسف، همیشه به این موضوع توجه داشته‌ام. من عاشق ایران هستم و آرزومندم که کشور زادگاهم را به‌زودی ببینم. این واقعا دور از عقل به نظر می‌رسد که در کشورهای بسیار دوری مانند گویان (Guyana) که پارسال در استادیوم ملی آن برنامه داشتیم، موسیقی اجرا کرده‌ام اما در کشور خودم، جمهوری اسلامی ایران، هنوز اجرا نداشته‌ام. مردم بعضی وقت‌ها می‌گویند: «سامی تو همه‌جا برنامه داشتی اما هنوز ایران را ملاقات نکرده‌ای». جواب ساده‌ای که در برابر این حقیقت می‌توانم بدهم این است: برای ملاقات ایران و اجرا ما باید ابتدا یک دعوتنامه معنا‌دار از یک موسسه حرفه‌ای داشته باشیم. این برای من یک رویاست در ایران اجرا داشته باشم و خیلی هم بیشتر خوشحال می‌شوم اگر بتوانم از مزار پدربزرگ و مادربزرگم و نیاکاتم (به‌ویژه در شهر تبریز) و همچنین مقابر متبر که و مقدس ایران زیارت کنم. آرزو می‌کنم این رویا روزی تحقق پیدا کند.

✎ **«برنامه جهانی غذا (WFP)»، به‌تازگی در کنفرانسی خبری اعلام کرده که برای ریشه‌کنی گرسنگی تلاش کنیم؛ موضوعی که نه‌تنها جان مردم را از بین می‌برد، بلکه امیدهای آنان را هم می‌کشد و آرزوها، اشتیاق و روح آنها را نیز از بین می‌برد. چندکمپین موفق در شاخ‌افریقا داشته‌ایم که عنوانش LiveFeed است (www.LiveFeedAfrica.org). ما همچنین سه‌کمپین دیگر را هم با یکدیگر شروع کرده‌ایم: برای سوریه، www.LiveFeedSyria.org و به‌تازگی www.LiveFeedPhilippines.org را نیز- نیز برای کمک به توفان‌زدگان فیلیپین آغاز کرده‌ایم. من در هر زمینه‌ای که بتواند این سرطان و حشمتناک و سهمگین یعنی گرسنگی را از بین ببرد، کمک خواهم کرد. گرسنگی پیامد غیرضروری اسراف و مصرف‌گرایی است.**

✎ **به‌عنوان پرسش آخر، می‌خواهیم بدانیم برنامه‌های آتی‌تان شامل چه کارهایی می‌شود؟ آیا روزی سامی یوسف در ایران هم اجرا خواهد داشت؟**
خلاصه امیدوارم چنین شود. خدا می‌داند که من رویای آن را می‌بینم. اما ما صبور و شکیبه می‌مانیم! امیدوار که این اتفاق هرچه سریع‌تر رخ دهد، انشاءالله. در ارتباط با برنامه‌های آتی، من به‌زودی یک سفر دور جهان خواهم داشت (که امیدوارم شامل ایران هم شود) و یک آلبوم تجاری جدید (جدان) از آلبوم «مرکز»، به‌زودی طی چندماه آینده منتشر خواهم کرد که ادای دین و احترام به سیدحسین نصر است. ایشان همچنین در این آلبوم، اشعار خود را خوانند خواند و آهنگ‌های من نیز متواضعانه ایشان را همراهی خواهند کرد و البته تعدادی شعر کلاسیک عربی هم در این آلبوم وجود دارد. من یکبار دیگر یک شعر کلاما ایرانی اجرا کرده‌ام («درعشق»، که به زیبایی توسط دکترنصر به فارسی کلاسیک نوشته شده). شخصا آن را خیلی خیلی دوست دارم. یک اجرای عربی- فارسی نیز به‌نام «الحمدالله» دارم. کل آلبوم سنتی است و در حال نهایی کردن برای انتشار آن هستم. همچنین درگیر کارهای موسیقایی خودم نیز هستم، به همراه تولید برای اندانته‌استودیو که زمان زیادی از من می‌گیرد.

از شما به خاطر این فرصت و حمایتی که کرده‌اید، ممنونم. با آرزوی صلح و آرامش و عشق برای شما و همه مخاطبان روزنامه‌تان.

ریتم

«سامی یوسف» در نقش یک پیام‌رسان



سعید برآبادی

وقتی موسیقی به یک‌مدیوم در عرصه رسانه‌های جمعی بدل می‌شود، دیگر یک هنر صرف نیست که قرار باشد آن را بر اساس میزان و معیارهای هنری بررسی کرد. اینجا پای هنر به‌معنوان عرصه «بین» مطرح می‌شود و اثری در اولویت قرار دارد که بتواند در ارتباط با مخاطب بیشتری قرار بگیرد و پیامش را به‌صورت گسترده‌تر و البته صحیح‌تر منتشر کند. «سامی یوسف» از این زاویه شاید بیشتر برای مخاطب ایرانی مهم باشد؛ خواننده‌ای که در سطح جهانی، خوش درخشیده، رسانه‌های بی‌شماری او را می‌شناسند و از آنجایی که توانایی خواندن لاقال به سه‌زبان مهم دنیا را دارد که اتفاقا یکی از آنها فارسی است، می‌تواند برای ایرانی‌ها از یک خواننده صرف حوزه موسیقی به یک «پیام‌رسان»

با مفهوم رسانه‌ای آن بدل شود. سامی یوسف به‌تازگی آلبومی را روانه بازار کرده که قطعه‌ای از آن در میان قطعه‌های دیگر برای شنونده ایرانی یا فارسی‌زبان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قطعه «جان‌جانان» مهم‌ترین ویژگی‌ای که دارد، زبان فارسی آن است. این قطعه در دستگاه موسیقی ایرانی تنظیم شده و شاید برای مخاطب آشنا به این نوع موسیقی چیز تازه‌ای نداشته باشد جز همان کنارهم‌قرارگرفتن دفه، سه‌تار، تنبک، نی و دیگر سازهای ایرانی. اما اینکه در یک آلبوم خواننده‌ای غیرایرانی، آهنگی فارسی باشد و آن آهنگ اشعارای مستقیم به حال‌وهوای شعر، عرفان و مذهب ایرانی‌ا داشته باشد می‌تواند در «ابیان‌مندی» ایرانی‌ها در بازار هنر جهانی نقش مؤثری داشته باشد. از یاد‌نبریم که کشورهای چون السالوادور، کره‌جنوبی و برخی دیگر از کشورهای نه‌چندان‌مشهور در جام‌جهانی گذشته میلیون‌هادلار زیرمیزی و رومیزی به خوانندگان مطرح جهان پیشنهاد کردند تا آهنگی به نامشان در رسانه‌های پوشش‌دهنده اخبار جام‌جهانی خوانده شود چراکه می‌دانستند زبان امروز همگرای جامعه جهانی، تنها مختصر به فوتبال نمی‌شود؛ زبان دیگری لازم است که کشوری را در کشور دیگری با تمام ویژگی‌هایش پیام‌رسانی کند.

از این جهت سهمی یوسف، همیشه برای مخاطب ایرانی قابل احترام بوده و نزدیکی عقیدتی او با ایرانی‌ها این توقع را در میان شنوندگانش ایجاد کرده که او بیش از این دل به زبان فارسی ببندد و قطعه‌اتی را با این‌س حال‌وهوا منتشر کند. «جان‌جانان» دقیقا چنین کارکردی دارد، آن هم در شرایطی که سیاست‌های جهانی به‌دنبال آشتی با ایرانی‌هاست و دست ایرانی‌ها برای تمام مردم دنیا باز است.

یوسف بیشتر با اشاره‌های مذهبی، همواره مسلمانان کل جهان بود و توانسته بود از مسلمانان برای آشنایی بین‌المللی به آثار او می‌د. حالا به این رویه، اتفاق تازه‌ای افزوده شده است و آن ترکیبی از زبان فارسی، شعر عارفانه و ردیف‌نوازی ایرانی است. چنین ترکیبی را فقط در ایران می‌توان سراغ گرفت و همین موضوع نشان می‌دهد که سامی یوسف، علاوه‌بر علاقه‌ای که به مخاطب فارسی‌زبانش در ایران دارد، سلیقه و کنش او را می‌شناسد و می‌داند که برای اولین قدم از چه سه‌ضلعی جذابی می‌تواند بهره ببرد. مخاطب فارسی هم در کنار این کیف‌شنوایی، با شنیدن این آهنگ شاهد یک اتفاق تازه نیز هست و آن رساندن پیام ایرانی‌ها به جهان توسط یک خواننده غیرایرانی است؛ اقدامی که برخی کشورها برای آن حاضر هستند که دست به جیب بشوند اما زبان فارسی و علاقه ذاتی سامی یوسف به مظاهر فرهنگ در ایران، آن را رایگان در اختیار ما قرار داده و بعید نیست که اگر در کافی‌ها در گوشه دیگری از دنیا، شنونده این قطعه شویم، به ایرانی‌بودن خود افتخاری مضاعف کنیم.

جان جانان

محبوب در کشور غریبه



خشایار اعتمادی خواننده پاپ

قبل از پرداختن به سبک موسیقی «سامی یوسف» بهتر است به محتوایی که او در شعرها و ترانه‌هایش انتخاب می‌کند، نگاهی بیندازیم. سامی یوسف از ترانه‌هایی استفاده می‌کند که اغلب دارای محتوای ایدئولوژیکند و سعی می‌کند با خواندن به زبان‌های عربی و انگلیسی، نگاه بشردوستانه و نوع‌دوستی دین اسلام را در دنیا ترویج دهد. ضمن اینکه موسیقی آرام و همگن با ساختار و در راستای محتوای کلام، به زیبایی کارش می‌افزاید. ما این نوع موسیقی را در دیگر سبک‌های امروزی هم سراغ داریم؛ موسیقی‌ای که خوانندگانش ایرانی هم نیستند بلکه مراکشئی، فرانسوی یا متعلق به دیگر کشورهای جهانند. این خواننده‌ها شاید خیلی شناخته‌شده نباشند چون ممکن است رسانه‌های با نفوذ دنیا از آنها حمایت نکنند. رسانه سکوی پرتاب یک هنرمند است. «سامی یوسف» نیز در کشوری فعالیت می‌کند که ابزاری به‌عنوان رسانه در اختیار هنرمند است. «یوسف» در مارکت بین‌المللی حضور دارد. او را در شبکه‌های مختلف تلویزیونی نشان می‌دهند و نامش را می‌نویسند و شرایط برگزاری کنسرت‌های بزرگ را برایش فراهم می‌کنند برای همین در این سبک، از خوانندگان داخل ایران خیلی شناخته‌شده‌تر است. البته اینکه او فقط ترانه‌هایی با محتوای مذهبی می‌خواند و اینکه یک خواننده بخواهد فقط در این سبک باشد، یک بحث است؛ ولی ما هم خوانندگانی داریم که ممکن است چندوجهی باشند. در ایران هم خوانندگانی هستند که در حوزه اجتماعی، مذهبی و مصادیقی که با‌وور و اعتقادات ما عجین شده می‌خوانند ولی وقتی بستری برای حمایت و ارایه آثارشان وجود ندارد تا آنها هم شناخته شوند و بتوانند در کارشان رشد کنند، بالطبع گریز می‌زنند و غیرقانونی کار می‌کنند و بسامدش هم می‌شود چیزی که در فضای مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای به وفور می‌شنویم. خلاقیت، بسیار کم است و بیشتر محتواها یکنواخت و تکراری است، به‌نوعی می‌توان گفت موسیقی خودش موسیقی را زده است. سیطره موسیقی بی‌ساختار موسیقی خوب را هم بلعیده. در خارج از ایران بستر فعالیت هنری کاملا مهیاست و امکاناتی برای هنرمندان وجود دارد تا بتوانند آثارشان را به بهترین شکل ارایه دهند. همین که امکانی برای «سامی یوسف» فراهم است تا در یک میدان بزرگ برای ۲۰۰هزارنفر کنسرت دهد، خودش قوی‌ترین رسانه است. اما آیا ما در ایران برای هیچ‌کدام از سبک‌های موسیقی چنین امکانی داریم؟ ما در هیچ سبکی کنسرتی نداریم که به اندازه کنسرت‌های «سامی یوسف» بتواند تماشاگر داشته باشد. در کجای دنیا کنسرت سه‌شب و در دو سه سانس اجرا می‌شود؟ فکر کنم فقط در ایران. یعنی یک خواننده باید طی سه‌شب، شش‌ساعت کنسرت اجرا کند تا فقط هزینه‌هایش را تأمین کند. در زمانه‌ای که هزاران شبکه ماهواره‌ای وجود دارد که ۷۰درصد برنامه‌هایشان با محور موسیقی است، صداسیمای ایران حتی اسم خواننده را هم نمی‌نویسد. یا به ندرت پیش می‌آید که حتی چهره خواننده را هم نشان دهند، قضاوت این سیاست در بضاعت این نوشته و من نیست و به سیاست‌های کلان کشور برمی‌گردد اما وقتی از موسیقی خوب هم حمایت نمی‌شود، طبیعی است کارهای غیرمجاز رشد کنند و نسل‌سوم موسیقی از همان‌ها الگوبرداری کنند و از همه بدتر اینکه ذوق و سلیقه مردم را به سمت کارهای نازل خودشان بکشانند. در چنین حالتی مردم با این موسیقی‌ها رشد می‌کنند و گوششان با آن موسیقی تربیت می‌شود. این وظیفه مدیریت موسیقی در کشور است که برای موسیقی خوب امکاناتی فراهم کند تا هنرمندان در داخل کشور بتوانند کار کنند و نگران حقوق مادی و معنوی خود نباشند. در حال حاضر در دنیا بخش مهمی از موسیقی تصویر است ولی ما اصلا چیزی به عنوان «ویدیوکلیپ» در صدا و سیما نداریم و به سنت ۲۰سال قبل هنوز گل و بلبل نشان می‌دهیم؛ این می‌شود که یک ایرانی در خارج از ایران فعالیت می‌کند و هزاران مخاطب غیرایرانی جذب می‌کند. تصویر بازنگری خواننده هم تاثیرگذار است، چهره «سامی یوسف» هم تاثیرگذار است. آرامش چهره‌اش وقتی از زیبایی دین می‌خواند تاثیرگذار است. حالا فکر کنید موسیقی‌اش را با تصویرهای دیگری نشان دهند، بالطبع تاثیر کار کم می‌شود. «سامی یوسف» در کشور غریبه مجوز دارد تا در میدان بزرگ شهر بخواند و تعداد زیادی از مردم به دیدن کارش بروند و او با‌وورهایش را با آنها شریک شود و نگاه‌های زیبا و انسانی دین اسلام را مثل برابر و صلح‌اندیشی ترویج دهد. شخصا به این رویکرد احترام می‌گذارم.

یکی از رسالت‌های هر خواننده‌ای، متعهدبودن است، حالا یا به مسایل اجتماعی یا انسانی. نوع دوستی و نگاه انسانی بارزترین ویژگی کار «سامی یوسف» و بسیار قابل احترام است، اما احترام بیشتر را برای کسانی قایلم که بستر این فعالیت را برای او مهیا کرده‌اند تا بتواند با موسیقی حرف‌هایش را بزند.

